

تحلیل و ارزیابی روش‌ها و مکاتب تفسیری: مطالعه موردی سوره‌های قدر و کوثر

نجمه نجم*

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۹

فاطمه مسجدی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۲۶

مهدی مهریزی***

چکیده

از دیرباز تفاسیر متعددی بر قرآن کریم نوشته شده که مورد تقسیم‌بندی‌های مختلف روشی قرار گرفته است. مواجهه با تعدد و اختلاف نظرهای موجود، ذهن مخاطب را به چرایی این تعدد نسبت به متن واحد سوق می‌دهد. مسأله اصلی، آن است که با وجود پذیرش علایق و تخصص متفاوت مفسرین که منجر به تفاوت تفسیری آنان می‌شود، این دامنه از اختلاف نظر و قسیم و مقسم‌های متعدد روشی، چگونه قابل تحلیل است؟ این مقاله با مقایسه میان دو سوره قدر و کوثر در تعداد قابل توجهی از کتب تفسیری که بر اساس روش‌های تفسیری؛ اثری، عقلی، عرفانی و علمی نگاشته شده‌اند به بررسی این مسأله پرداخته است. نتیجه این بررسی حاکی از آن است که حداکثر حدود بیست درصد اختلاف در تفسیر این آیات قابل ملاحظه است که با لحاظ نمودن اختلافات قابل جمع، از میزان آن کاسته خواهد شد. ضمن آنکه مسائل تفسیری نیز در این آیات، لزوماً با استفاده از روش تفسیری مفسر، حل و فصل نشده‌اند. روش این مقاله کیفی و تکنیک تحلیل اسنادی آن بر اساس داده‌های کمی بوده و از مباحث انتزاعی پرهیز شده است.

کلیدواژگان: روش تفسیری، اختلافات تفسیری، سوره قدر، سوره کوثر.

* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

n.najm313@yahoo.com

** دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

نویسنده مسئول: نجمه نجم

مقدمه

تفاسیر متعددی از دوران گذشته تا به امروز بر اساس تعلق خاطر، تناسب با اقتضائات روزگار، توضیح و توصیف مباحث مورد علاقه مفسر و وجود رویکردهای متفاوت مفسران و... نگارش یافته است. اما به نظر نمی‌رسد تقسیمات متعدد ارائه شده در مباحث روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، طبیعی و منطبق با واقعیت‌های خارجی منعکس در تفاسیر باشد. مسأله اصلی این مقاله، آن است که با وجود پذیرش علایق و تخصص متفاوت مفسرین که منجر به تفاوت تفسیری آنان می‌شود، این دامنه از اختلاف نظر و قسیم و مقسم‌های متعدد روشی، چگونه قابل تحلیل است؟

آیا متن واحد قرآن، در کنار منبع روایات محدود و تقریباً مشترک (منابع حدیثی مشترک در دسترس همه مفسران اعم از شیعه و اهل سنت مراد است) این همه اختلاف را برمی‌تابد؟ آیا این اختلافات در قسیم و مقسم‌های مختلف روشی، بر پایه واقعیت‌های خارجی؛ یعنی اختلافات در حوزه عینی و عملی موجود در تفاسیر است؟ هدف این تحقیق، مقایسه تطبیقی (و نه انتزاعی) روش‌های مختلف تفسیری در بین تفاسیر موجود است و بر آن است تا مقدار تأثیرگذاری روش‌های تفسیری را در تفاوت‌ها و اختلاف نظرهای تفسیری رصد کرده و میزان اشتراکات و اختلافات را استخراج نماید. این مقاله به طور مشخص پاسخگوی این سؤالات است: با وجود روش‌های متفاوت مفسران در نگارش تفسیر، چه مقدار اشتراک نظر و اختلاف نظر بین مفسران وجود دارد؟ در میزان اختلاف معلوم شده، چه مقدار تناقض بین گفته‌های مفسران قابل ملاحظه است؟ چند درصد از تفاوت‌های تفسیری ذیل سور انتخابی بر اساس مبانی معرفتی (و در پی آن روش‌های تفسیری) است که اختلاف نظر تفسیری در پی آمد آن معمول است؟ و به عبارتی روش‌های تفسیری مفسران تا چه میزان در تفسیر چالش‌های تفسیری کارآمد است؟

این مقاله کیفی و از نوع موردی به صورت ردیابی فرآیند است که چارچوب آن از نوع استقرایی است. جمع‌آوری داده‌های آن به روش اسنادی و سنجه‌های غیر-مزاحم بوده و تکنیک تحلیل اسنادی آن بر اساس داده‌های کمی است؛ لذا ویژگی این نوشته

نسبت به تحقیقات مشابه، تکیه بر آمار عینی تفاسیر است و از مباحث نظری و انتزاعی پرهیز شده است. کنترل و پایایی جزئی و کلی در این مقاله محور توجه بوده است. این مقاله در چهار بخش مباحث مقدماتی، سور و تفاسیر انتخابی، نتایج و تحلیل سوره قدر، و نتایج و تحلیل سوره کوثر ارائه می‌شود.

پیشینه تحقیق

در باب توضیح روش‌ها و مکاتب تفسیری، ادبیات فراوانی تولید شده است. به عنوان نمونه کتاب‌های «المفسرون حیاتهم ومنهجهم» (ایازی، ۱۴۱۴ق)؛ «روش‌ها و گرایش‌های تفسیری» (عمید زنجانی، ۱۳۷۳ش)؛ «التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، آراء آية الله معرفت در روش‌های تفسیری» (معرفت، ۱۳۷۸ش)؛ «مبانی و روش‌های تفسیر قرآن» (رجبی، ۱۳۷۹ش)؛ «روش‌ها و گرایش‌های تفسیری» (علوی مهر، ۱۳۸۱ش)؛ «روش‌ها و گرایش‌های تفسیری» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۳ش)؛ «مکاتب تفسیری» (بابایی، ۱۳۸۵ش)؛ «مبانی و روش‌های تفسیر» (مؤدب، ۱۳۸۶ش) و... به انواع مختلف در صدد تبیین و ارائه تقسیمات مختلف روش‌ها و گرایش‌های تفسیری هستند. علاوه بر آن، مقالات ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن» (شاکر، ۱۳۸۱ش)؛ «گستره گرایش‌های تفسیری» (قربان‌زاده و رستمی، ۱۳۹۱ش)؛ پایان‌نامه «شناخت مکاتب و روش‌های تفسیری» (رفیعی، ۱۳۷۳ش)؛ از منظری متفاوت به بررسی قسیم و مقسم‌های مختلف روش‌ها و گرایش‌های تفسیری پرداخته‌اند. اینک جای آن است که در تحقیقی، این آثار و نوشته‌ها و نتایج، هم به صورت نظری و هم به صورت عینی نقادی شود؛ یعنی نشان داده شود این دسته‌بندی‌ها تا چه اندازه می‌تواند واقعیت اختلافات موجود را در بر گیرد. در این مقاله بر آن‌ایم این مسأله را بر اساس واقعیت عینی دو سوره از سوره‌های قرآن (کوثر و قدر) در میان تعدادی از تفاسیر بررسی کنیم.

مباحث مقدماتی

در این قسمت مبادی تصویری و تصدیقی بحث مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مراد از روش‌های تفسیری

با عنایت به اختلاف نظرهای موجود در تعریف روش‌ها و مناهج تفسیری و خلط آن با گرایش و مکاتب و رویکرد و... و محوریت متغیر مستقل این اثر بر مبنای روش‌های تفسیری، لازم است مراد از «روش تفسیری» روشن شود.

در دوره معاصر، قرآن‌پژوهانی با علم بر مشکلات و آسیب‌های موجود در مبحث روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، در پی رفع آن به نگاشته‌هایی دست زده‌اند. نکته آن است که با وجود دغدغه و هدف آنان جهت حل مشکل، خود نیز در مسیر، دچار آسیب‌های دیگری شده‌اند که بحث در مورد آن از هدف این مقاله خارج است. در جدیدترین آثار برخی قرآن‌پژوهان، بحث مبسوطی در این باره صورت گرفته است؛ برخی با وجود پیشینه کامل و جمع‌آوری نظرات مختلف محققان، در نهایت جهت حل این معضل، تعریفی جامع و مانع ارائه نمی‌دهند (طیب حسینی، منبع اینترنتی)، و برخی دیگر ضمن نقد و بررسی تعاریف موجود، معتقدند اختلاف در منابع تفسیری، کم و بیش در تفسیر همه آیات و سوره تأثیر می‌گذارد. و این گونه اختلافات در واقع همان مناهج یا روش‌های تفسیری است و تقسیم تفاسیر به مآثور، قرآن به قرآن، شهودی، ظاهری، باطنی، عقلی و اجتهادی در این چهارچوب قابل ارزیابی است (مقالات و بررسی‌ها، دوره ۷۲: ۱۴۵-۱۴۶).

با وجود تلاش‌های انجام‌شده و سوق پژوهشگران به محوریت منابع فهم متون دینی برای روش‌های تفسیری، و دستیابی به وحدت رویه بهتر، همچنان در این نکته که علم و تجربه یا کشف و شهود جزو منابع فهم قرار گیرد، ظاهراً اختلاف نظر است و به همین جهت برخی تفسیر علمی و عرفانی را جزو گرایش‌های تفسیری قرار می‌دهند نه روش‌های تفسیری.

بدین ترتیب مراد از روش‌های تفسیری، اختلافات مربوط به تعلق خاطر مفسر، توضیح مباحث عقلی و کلامی و فلسفی و...، توجه به ابعاد فقهی و اخلاقی و...، بسندگی به جنبه لفظی و بلاغتی و نحوی و... نیست که همه این‌ها مربوط به اختلاف نگرش مفسران است در حالی که بحث روش، به دنبال مجموعه تفاوت‌های مفسران در اتخاذ راهبرد استخراج مفاهیم و معانی از قرآن است. بدین معنا که مفسر ابتدا با تعیین

زیربنای خود برای استخراج مفاهیم و مقاصد قرآن (روش)، در گام بعد، بُعدی از ابعاد قرآن یا پرداختن به جنبه‌ای از جنبه‌های قرآن (گرایش) را تعیین می‌کند و حتی مذاهب تفسیری هم برآمده از همین اختلاف در گرایش‌ها و سلايق تفسیری است. برخی روش (نهج) را چنین تعبیر می‌کنند: راهی است روشن برای تعبیر از چیزی یا انجام دادن کاری یا یادگیری چیزی بر اساس مبادی و نظامی معین و معلوم به قصد رسیدن به غایتی معین و معلوم (محمود نقراشی، ۱۴۰۶ق: ۱۳) و از طرفی دیگر با توجه به محوریت منابع برای فهم متون دینی، به نظر می‌رسد منطق و حصر عقلی، منابع اصلی فهم را چهار قسم وحی (قرآن و روایات)، عقل، علم و تجربه، کشف و شهود می‌داند و این مطلب نزد عامه دانشمندان مقبول است (مهریزی، ۱۳۹۲ش، جزوه تفسیر)؛ بر همین اساس، زیربنای مفسر برای استخراج معانی و مقاصد قرآن، منبعث از این ۴ قسم، ۴ روش تفسیری خواهیم بود: تفسیر اثری، عقلی، علمی و عرفانی.

۲. منشأ اختلاف مفسران

اختلافات مفسران از عوامل و مبادی متعددی نشأت می‌گیرد؛ مانند مبانی متفاوت نظری و علمی، جنسیت، قومیت، مذهب، مناطق جغرافیایی، اقتضای احوال مفسر و مخاطب و... کتب و مقالات نوشته شده پیرامون مکاتب و روش‌های تفسیری، توجه عمده خود را به مبانی معرفتی مفسر متمرکز کرده‌اند و بر این اساس تحلیل شکل گرفته است. از این رو تمرکز این مقاله نیز بر مبانی معرفتی مفسران است و از سایر عوامل تأثیرگذار در اختلاف مفسران چشم‌پوشی شده است.

۳. سوره و تفاسیر انتخابی

با عنایت به تقسیم‌بندی روش‌های مختلف تحقیق کیفی و قابلیت ترکیب آن با مباحث کمی که پیچیده و مسأله برانگیز است، اتفاق نظری در این زمینه وجود ندارد. روش تحقیق کیفی بر محور تحلیل داده‌های کمی را می‌توان روشی برای تفسیر محتوایی داده‌های کمی از طریق طراحی الگوهای شناخته شده دانست. با تحلیل کیفی داده‌های کمی می‌توان رویکرد نظری انتزاعی موجود را، روش‌شناسانه، کنترل شده و

مرحله به مرحله به طور عینی مورد بررسی قرار داد و نظریه‌های متناسب با حقایق داده‌های کمی ارائه کرد که این مقاله به دنبال آن است (ر.ک، ایمان، ۱۳۸۸ ش: ۱۷۲؛ محمدی، ۱۳۹۳ ش: ۹۸؛ محمدپور، ۱۳۹۰ ش، ج ۲: ۵۵-۱۶۳). لذا ابتدا با تعیین واحد مبنا انتخاب دو سوره مناسب صورت می‌گیرد. سپس بر اساس طراحی الگو که توضیح آن خواهد آمد، مرحله‌ای و کنترل شده، داده‌ها به طور عینی مورد بررسی قرار گرفته و نظریه مناسب ارائه می‌شود. برای اعتبارسنجی نیز نظرات متفاوتی مطرح است (محمدپور، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۶۶-۲۲۹).

۴. تعیین واحد مبنا

ابتدا گزینش دو سوره مناسب برای بررسی فراوانی گونه‌های روایت تفسیری مد نظر بود. با توجه به ظرفیت محدود مقاله، ناگزیر به تعیین دامنه محدودی از سور بودیم. بر این اساس دو سوره از قرآن؛ سوره قدر و کوثر انتخاب شد. انتخاب این دو سوره، با توجه به نوع موضوع و اهمیت شب قدر و بحث کوثر بوده است که ظرفیت پردازش و رویکردهای مختلف را برمی‌تابد و رصد نگارندگان را در مسأله مورد بررسی، علمی‌تر می‌کند. هر یک از این دو سوره در چندین تفسیر مختلف بر محور منابع معرفتی ذکر شده، بررسی شد. سپس با تطبیق و قیاس محتوایی بین متن‌ها، میزان اشتراکات و اختلاف نظرهای مفسران محور ارزیابی قرار گرفت.

در انتخاب تفاسیر برای بررسی این دو سوره، نکات زیر مورد توجه بوده است:

- در بررسی هر سوره حداقل یک تفسیر بر اساس منابع معرفتی ذکر شده، محل دقت بوده که در برخی موارد جهت افزایش ضریب ارزیابی، تعداد آن افزایش یافته است.
- برخی تفاسیر به طور مشترک در هر دو سوره استفاده شده که از آن تعبیر به «تفاسیر مشترک» می‌کنیم، و تعدادی از تفاسیر فقط در سوره قدر و تفاسیر دیگری فقط در سوره کوثر مورد استفاده واقع شده که از آن تعبیر به «تفاسیر غیر مشترک» خواهیم کرد. هدف استفاده از تفاسیر مشترک و غیر مشترک، ارزیابی مسأله این نگارش در حالت‌های مختلف بوده است.

- در انتخاب دوره تفاسیر فوق، دقت شده که تعدادی از تفاسیر با دوره‌های نزدیک به هم و تعدادی با دوره‌هایی با فاصله زمانی دورتر انتخاب شوند تا بررسی با عنایت به

هر دو مدل انجام شود و در نتیجه دستیابی به میزان اختلافات و اشتراکات، منطقی‌تر باشد.

- در ادامه روند تحقیق، برای اعتبارسنجی و پایایی، چندین تفسیر دیگر به طور تصادفی به تعداد تفاسیر محل نظر، اضافه شد تا سنجش مسأله مورد بررسی در تفاسیر در حالت نزدیکی فاصله زمانی مفسران، دور بودن دوره‌های زمانی، مذاهب مختلف، رویکردهای معرفتی مختلف و ... به طور دقیق و جامع ارزیابی شود.

۵. طراحی الگوی بررسی

در گام اول، کتب تفسیری انتخاب شده برای بررسی سوره‌ها عبارت‌اند از:
سوره قدر:

۱. بر اساس منبع وحی؛ تفسیر اثری: تفسیر شریف «لاهیجی» نوشته بهاء‌الدین محمد بن شیخ علی لاهیجانی قرن ۱۱، شیعه
۲. بر اساس منبع کشف و شهود؛ تفسیر عرفانی: تفسیر «بیان السعادة فی مقامات العبادة» نوشته سلطان محمد گنابادی قرن ۱۴، شیعه
۳. بر اساس منبع عقل؛ تفسیر عقلی: تفسیر «التبیان فی تفسیر القرآن» نوشته شیخ طوسی، قرن ۵، شیعه
۴. بر اساس منبع تجربه و علم؛ تفسیر علمی: تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» نوشته: شیخ طنطاوی، قرن ۱۴، شافعی اشعری
سوره کوثر:
۱. بر اساس منبع وحی؛ تفسیر اثری: تفسیر «بحر العلوم» نوشته محمد بن احمد سمرقندی، قرن ۴، سنی و تفسیر «فی ظلال القرآن» نوشته سید قطب، قرن ۱۴، سنی
۲. بر اساس منبع عقل؛ تفسیر عقلی: تفسیر «التبیان فی تفسیر القرآن» نوشته شیخ طوسی، قرن ۵، شیعه
۳. بر اساس منبع کشف و شهود؛ تفسیر عرفانی: تفسیر «بیان السعادة فی مقامات العبادة» نوشته سلطان محمد گنابادی قرن ۱۴، شیعه

۴. بر اساس منبع تجربه و علم؛ تفسیر علمی: تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن» نوشته شیخ طنطاوی، قرن ۱۴، شافعی اشعری در این تحقیق برای اعتبار سنجی، کنترل و پایایی نتایج، دو کار انجام شد که گام دوم و سوم را شامل می‌شود:

در گام دوم (با توجه به ضرورت بررسی بیش‌تر که توضیح آن خواهد آمد) «کشف الأسرار» میبدی (قرن ۶، شیعه) و «روح البیان» بروسوی (قرن ۱۲، اهل سنت) به دامنه تفاسیر عرفانی اضافه شد.

در گام سوم در بررسی تصادفی، تفاسیر «مجمع البیان» طبرسی (قرن ۶، شیعه)، «تفسیر کبیر» فخر رازی (قرن ۶، اهل سنت)، «الدر المنثور» سیوطی (قرن ۱۰، اهل سنت)، «البرهان» سید هاشم بحرانی (قرن ۱۱، شیعه)، «روح المعانی» آلوسی (قرن ۱۳، اهل سنت)، «المیزان» طباطبایی (قرن ۱۴، شیعه) و «تفسیر نمونه» (قرن ۱۴، شیعه) مورد دقت قرار گرفته است.

۶. جدول کنترل و پایایی

کنترل کل پایایی	کنترل جزء پایایی
افزایش دامنه تفاسیر به طور تصادفی با رویکردهای مختلف	افزایش دامنه تفاسیر عرفانی
سنجش و بررسی بر اساس تفاسیر مختلف در دوره‌های مختلف زمانی، مذاهب مختلف، رویکردهای معرفتی مختلف، نتایج اولیه را تأیید می‌کند؟ بله تأییدکننده است.	نتایج بازبینی، تأییدکننده نتایج اولیه است؟ بله تأییدکننده است.

نتایج و تحلیل سوره قدر

گزارش نتایج

پس از روشن شدن مراد ما از روش‌های تفسیری، جهت تحقق هدف این مقاله، ابتدا موضوعات مهم که محل اختلاف تفسیری می‌تواند باشد، انتخاب شده و بر اساس هر آیه مورد قیاس تفسیری قرار گرفته است. در سوره قدر با توجه به بحث نزول قرآن و شب قدر و مباحث دیگر که در هر آیه به طور جداگانه مطرح شده، فراز آیات به طور

تفکیکی گزارش می‌شود. در تعیین محورهای این سوره در موضوعات بحث‌برانگیز و با اقوال غیر-مشترک؛ مثل مراد از «خیر من الف شهر»، بیان مفسران جزء محورهای طبقه‌بندی جدول قرار گرفته تا نتیجه گزارش روشن‌تر باشد.

الف. گام اول

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)					
ردیف	محورهای اصلی و بحث‌برانگیز سوره	لاهیجی	الجواهر	بیان السعادة	تبیان
۱	مرجع ضمیر(ه)	قرآن	با توجه به آیه ۱۸۵ سوره بقره مراد قرآن است	قرآن	قرآن
۲	علت اضمار	معلوم همگان است مخصص آیه ۱۸۵ سوره بقره است	-----	بزرگداشت قرآن با این بیان که مرجع ضمیر، آنچنان معین است که نیاز به تعیین آن نیست	معلوم است و امکان شبهه در شناخت ضمیر وجود ندارد
۳	معنای نزول	نزول کل قرآن است به جهت اینکه اولاً: این آیه، مخصص آیه ۱۸۵ سوره بقره است؛ ثانیاً: فعل ماضی است طبق احادیث مراد از این نزول، نزول دفعی به بیت	شروع نزول نزول دفعی بر اساس روایات مراد نزول بر پیامبر در غار حراء و پس از اعتکاف پیامبر در آنجا می باشد	نزول قرآن از حیث صورتش	نزول دفعی به آسمان دنیا ابتدای نزول قرآن (هر دو قول بر اساس روایات بیان شده است)

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)					
ردیف	محوره‌های اصلی و بحث‌برانگیز سوره	لاهیجی	الجواهر	بیان السعادة	تبیان
		المعمور است			
۴	وجه تسمیه " ليله القدر "	<p>تقدیر</p> <p>اشیاء (ارزاق، موت و حیات، خیر و شر)</p> <p>بیان و اظهار امورات ما برای ملائکه و خواص مخلوقات</p> <p>شب عظیم قدر</p> <p>ضیق به واسطه نزول ملائکه به زمین</p>	<p>شب دارای شرافت</p> <p>ضیق به خاطر نزول ملائک</p>	<p>سینه پیامبر</p> <p>نقوش مدادی و الفاظ که معانی تحت آن پنهان است</p>	<p>شبی که خداوند در آن حکم و قضای هر امری را برای یک سال تقدیر می‌فرماید؛ معادل آیه (فیها) یفرق کل امر حکیم "دخان/۴" است</p>
۵	زمان شب قدر	<p>بر اساس روایات نزول دفعی را در شب بیست و سوم می‌داند.</p>	<p>با استناد به احادیث زمان آن را یکی از لیالی دهه آخر ماه رمضان می‌داند</p> <p>بر اساس روایات بیان میکند که ليله القدر شبی بوده که پیامبر به کمال رسیده و آمادگی ارتباط با عالم ملائک را پیدا نموده</p>	<p>این آیات حاکی از وجود لیالی دارای قدر و ارزش در عالم مثال است که تمام امورات در آن شبها تقدیر می‌شود، این شبها به منزله روح شبهای عالم طبع است،</p>	<p>یکی از شبهای فرد دهه آخر ماه رمضان</p>

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)					
ردیف	محورهای اصلی و بحث‌برانگیز سوره	لاهیجی	الجواهر	بیان السعادة	تبیان
			است _شب قدر برای ما هر زمانی است که نفس بیدار شده و بتواند با عالم بالا ارتباط برقرار نماید	برخی شب‌های عالم طبع دارای خصوصیتی است که موجب ظهور شدیدتر شب‌های عالی می‌شود؛ به همین علت به اختلاف و به طریق ابهام گفته شده یکی از شب‌های نیمه شعبان، نوزده رمضان، بیست و یکم و یا بیست و سوم رمضان است	
۶	علت مجهول بودن شب قدر	-----	تلاش در عبادت در تمام طول عمر با هدف درک این شب	-----	تلاش بیشتر بندگان برای عمل بیش‌تر با هدف درک این شب

بررسی روش تفسیری مفسران در آیه اول:

۱. آیه در تفسیر شریف «لاهیجی» بر اساس روایات، مورد تفسیر واقع شده است. نیز علاوه بر روش قرآن به قرآن که ملحق به همان روش تفسیری روایی است. با توجه به آنچه بیان شد منبع هر دو وحی است؛ روش عقلی نیز در تبیین معنای نزول دیده می‌شود.

۲. شیخ طنطاوی در تعیین زمان شب قدر می‌کوشد تا با شیوه علمی به تفسیر آیه پرداخته و علت تناسب شب قدر و ماه رمضان را با این روش تبیین نماید؛ وی در تفسیر این آیه می‌گوید: با توجه به اینکه در ماه رمضان انسان از دغدغه‌های دنیوی و شهوات و مسائل پیرامون آن به دور است، با برداشتن سنگینی از روی نفس و مصفا شدن آن، آمادگی پذیرش لطائف از ملائکه فراهم آمده و شرایط قرب به عالم روحانی محقق می‌شود؛ و آلا برای هر انسانی ممکن است در زمان‌های دیگر شب قدر به وقوع پیوندد. در تفسیر عبارات دیگر این آیه، مفسر از روش روایی و قرآن به قرآن بهره برده است.

۳. گنابادی در توضیحات پیرامون شب قدر به بیان مراتب عالم و مراتب انسان و ارتباط آن با شب و روز پرداخته و ارتباط آن را با شب قدر تبیین نموده است. این تفاسیر با شیوه عرفانی مفسر ارتباط مستقیم دارد. لکن تطبیق لیله القدر بر سینه پیامبر و یا نقوش مدادی مستنتج از شیوه عرفانی نیست و تنها با بیانی عرفانی طرح گردیده است بدون آنکه شرح و تفسیری بر آن بیان گردد. در بقیه موارد اماره‌ای دال بر بکارگیری شیوه عرفانی دیده نمی‌شود.

۴. در تفسیر این آیه اثری از روش عقلی مفسر یافت نشد؛ بیش‌تر مفاد آیه با روش روایی و قرآن به قرآن استنتاج گشته است.

نتیجه‌گیری: خروجی مطالب در تفسیر این آیه، در این چهار تفسیر، تا اندازه قابل توجهی مشترک است. صرف نظر از اشتراکات و افتراقات، در تفسیر شریف «لاهیجی» پای‌بندی به روش تفسیری روایی، مشهود است. در تفسیر «الجواهر» و «بیان السعادة» به همان میزان که مفسر از شیوه تفسیری خود بهره برده؛ از شیوه روایی و قرآن به قرآن نیز بهره برده است. اما روش عقلی در تفسیر این آیه در تفسیر «التبیین» هیچ جایگاهی ندارد.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)					
ردیف	محورهای اصلی و بحث‌برانگیز سوره	لاهیجی	الجواهر	بیان السعادة	تبیین

۱	عدم درک حقیقت شب قدر	عدم درک شرف و منزلت و مرتبه این شب	ای پیامبر درایت و دانش تو عاجز از فهم این شب است _ ملائکه در این شب کار بزرگی بر عهده دارند که این کار مجهول است. مگر فهم آن از طریق شریعت و یا احادیث صحیح	از آنجایی که بیان حقیقت این شب ممکن نیست آیه به صورت استفهام با هدف بزرگداشت این شب بیان گردیده است	_ استفهام با هدف نشان دادن عظمت شأن این شب _ نشان دادن عدم فهم حقیقت این شب توسط پیامبر
---	----------------------	------------------------------------	--	---	--

بررسی روش تفسیری مفسران در آیه دوم:

۱. در تفسیر شریف «لاهیجی» روایتی ذیل آیه بیان نشده (البته بیان این نکته از باب گزارش است؛ چراکه مسلماً روایات تفسیری محدود بوده و شامل همه آیات نمی‌شود).

۲. صاحب «جواهر» درک حقیقت شب قدر را تنها از مجرای آیات و روایات صحیح امکانپذیر می‌داند.

۳. رد پای از روش عرفانی در تفسیر «بیان السعادة» در ذیل این آیه دیده نمی‌شود؛ مگر بازگشت به آیه قبل و بیان عدم درک شب‌های عالم مثال که همگی ذو قدر هستند.

۴. در تفسیر این آیه اثری از روش عقلی در تفسیر تبیان یافت نشد.

نتیجه‌گیری: در تفسیر این آیه همه مفسرین عدم درک و فهم این شب را طرح نموده‌اند. تفسیر مفاد آیه در چهار تفسیر مشترک است؛ همه مفسرین بیان این استفهام را با هدف تأکید بر بزرگداشتشان و تفخیم آن دانسته‌اند؛ تنها صاحب «جواهر» مجهول بودن عمل ملائکه در این شب را طرح می‌نماید.

لکن بهره‌گیری از چهار روش تفسیری مورد نظر، در تفسیر این آیه، در هیچ کدام از تفاسیر یافت نشد.

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)					
ردیف	محوهای اصلی و بحث‌برانگیز سوره	لاهیجی	الجواهر	بیان السعادة	تبیان

۱	کیفیت هزار ماه	<p>_____ هزار ماه _____ بدون شب _____ قدر (بر اساس احادیث) _____ هزار ماه _____ حکومت بنی امیه که فاقد شب قدر است (بر اساس احادیث)</p>	<p>_____ هزار ماه بدون شب قدر _____ هزار شب بدون کمال _____ هزار ماه زندگی بنی اسرائیل _____ " هزار " کنایه از زمان بسیار کثیر است</p>	<p>_____ هزار ماه بدون شب قدر _____ هزار ماه حکومت بنی امیه _____ هزار ماه زندگی و عبادت بنی اسرائیل</p>	<p>_____ هزار ماه بدون شب قدر</p>
۲	علت برتری	<p>_____ تقدیر _____ آسمان ها و زمین در این شب (بر اساس روایات) _____ تقدیر ولایت امیر المؤمنین (ع) در این شب (بر اساس روایات)</p>	<p>_____ نزول قرآن _____ نزول ملائکه _____ تقدیر امور در این شب _____ انسان توانسته است با عالم بالا ارتباط برقرار کند که در این صورت این شب نه از هزار ماه بلکه از تمام دنیا از ابتدا تا انتها بهتر است</p>	<p>_____</p>	<p>_____</p>
۳	وجه برتری	<p>_____</p>	<p>_____</p>	<p>_____</p>	<p>_____ ثواب اعمال _____ تفضل و نعمت پروردگار</p>

بررسی روش تفسیری مفسران در آیه سوم:

۱. آیه در تفسیر شریف «لاهیجی» کاملاً با استناد به احادیث تفسیر شده است.

۲. در بیان علت برتری این شب بر لیالی دیگر، شیخ طنطاوی در بیانی دوباره، به طرح مسأله ارتباط انسان با عالم بالا پرداخته است که بی‌ارتباط با شیوه مفسر در تفسیر آیه نیست لکن در بیان کیفیت هزار ماه کاملاً بر اساس احادیث وارده در این باب به تفسیر آیه پرداخته است.

۳. هیچ اثری از بکارگیری شیوه عرفانی در تفسیر این آیه در «بیان السعادة» یافت نشد. آیه کاملاً به شیوه روایی تفسیر شده است.

۴. در تفسیر این آیه شیخ طوسی به بیان وجه برتری شب قدر می‌پردازد در حالی که هیچ یک از مفسرین دیگر به بیان آن نپرداخته‌اند. بیان وجه برتری برای این شب کاملاً عقلانی است اما مفسر تعلیل عقلی برای آن ارائه نمی‌دهد.

بیان کیفیت هزار ماه در تفسیر «تبیان» بر اساس شیوه روایی است. علت برتری این شب نیز از جانب مفسر اصلاً طرح نگردیده است.

نتیجه‌گیری: با نگاهی اجمالی به تفاسیر ارائه‌شده ذیل این آیه نکات مشترک و غیر مشترکی در خروجی تفاسیر دیده می‌شود که غلبه با نکات مشترک است. اما در باب شیوه مفسران که هدف اصلی این مقاله است باید گفت تفسیر هر چهار مفسر در "کیفیت هزار ماه" کاملاً بر اساس روایات وارده در این باب است. در محورهای دیگر مورد بحث، به جز تفسیر «لاهیجی» در دیگر تفاسیر یا هیچ نشانی از روش تفسیری مفسر دیده نمی‌شود (بیان السعادة) و یا بهره‌گیری از روش تفسیر خاص مفسر و روش‌های دیگر تفسیری، کاملاً برابر است.

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا يَأْتُنْ رَبَّهُمْ مِّنْ كُلِّ امْرٍ (۴)					
ردیف	محورهای اصلی و بحث‌برانگیز سوره	لاهیجی	الجواهر	بیان السعادة	تبیان
۱	مفهوم «تنزل»	نزول ملائکه و روح القدس به محضر صاحب الزمان و تقدیم آنچه در شب قدر نوشته‌اند به محضر	_ نزول به زمین _ نزول ملائکه با هدف تعلیم بندگان	با مهلت نازل شدن	نزول به آسمان دنیا

			ایشان (طبق روایات)		
جبرئیل	فرشته‌های اعظم از جمیع فرشتگان که رب النوع انسانی است	رحمت جبرئیل	فرشته‌های اعظم از جبرئیل (طبق روایات)	مفهوم «روح»	۲
به امر خدا	به علم پروردگار به احاطه پروردگار	به امر پروردگار	به فرمان پروردگار به علم پروردگار (بر اساس آیه ۱۶۶ سوره نساء)	مفهوم «باذن ربهم»	۳
-----	هر امری که در آن شب مقدر گشته	تقدیر اوامر الهی برای آن سال	از جهت هر کار معتد به که در این سال تقدیر شده؛ بر اساس احادیث این امور به صاحب آن امر که پیامبر و اوصیاء او هستند اعلام می‌شود	«من کل امر»	۴

بررسی روش تفسیری مفسران در آیه چهارم:

۱. در تفسیر شریف «لاهیجی» آیه کاملاً به استناد احادیث تفسیر و تبیین شده؛ نیز مفسر در تبیین مفاد "باذن ربهم" از روش قرآن به قرآن بهره برده است.
 ۲. در تفسیر «جواهر» اثری از شیوه علمی دیده نمی‌شود.
 ۳. گنابادی در طرح و تبیین عبارات آیه، خروجی‌های مشترک با دیگر مفسرین دارد، صرفاً ویژگی اضافه‌تری برای «روح» طرح نموده و آن را "رب النوع انسانی" قلمداد می‌نماید. در هیچ کدام از مطالب مشترک و مورد اخیر ردّ پایی از شیوه عرفانی دیده نمی‌شود.
 ۴. اثری از روش عقلی در تفسیر «تبیان» ذیل این آیه یافت نشد.
- نتیجه‌گیری: جدای از نوع بیان و نگارش مفسران در ذیل آیه، خروجی‌های طرح‌شده به میزان قابل توجهی مشترک است. با صرف نظر از اشتراک و یا عدم اشتراک

خروجی‌ها، به جز تفسیر شریف «لاهیجی» در دیگر تفاسیر گره‌های تفسیری به واسطه روش تفسیری مفسر باز نشده است.

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ (۵)					
ردیف	محورهای اصلی و بحث برانگیز سوره	لاهیجی	الجواهر	بیان السعادة	تبیین
۱	معنای «سلام»	آن شب عین برکت و سلامتی از آفات و شرور است (بر اساس روایات) در آن شب فوج فوج از ملائکه بر صلحاء مومنین سلام می‌فرستند سلام فرشتگان و روح بر پیامبر (ص)	سلام ملائکه بر مؤمنین اموری که تقدیر می‌شود جز عافیت نیست	سلامت از هر شر و آفت بر اساس روایات از طریق مجاز به معنای "تحییت" است	سلام ملائکه به یکدیگر سلامتی و ایمنی از شرور مراد فضیلت عبادات و نماز است
۲	معنای «مطلع الفجر»	تا وقت دمیدن سفیده صبح	تا وقت طلوع فجر	-----	مکان طلوع

بررسی روش تفسیری مفسران در آیه پنجم:

۱. لاهیجی در این آیه نیز کاملاً پای‌بند به روش تفسیری روایی است.
۲. در تفسیر این آیه اثری از تفسیر علمی در «جواهر» دیده نمی‌شود.
۳. مفاد تفسیر این آیه در «بیان السعادة» برگرفته از احادیث بوده و اثری از بکارگیری روش عرفانی دیده نمی‌شود.

۴. تفسیر ارائه شده از این آیه در «تبیین» همانند دیگر تفاسیر است مگر در دو مورد: یکی تفسیر اضافه‌تری از واژه "سلام" به معنای فضیلت نماز و عبادت که خود به دیدگاه مفسر به وجه برتری شب قدر بازگشت دارد و دیگری دیدگاه مفسر در تفسیر عبارت "مطلع الفجر" که آن را به معنای "موضع الطلوع" قلمداد نموده است در حالی که مطلع

در این آیه مصدر میمی است که علاوه بر معنای مصدری تنها می تواند بر اسم زمان حمل شود.

نتیجه گیری: در تبیین معنای "سلام" در مجموع شش دیدگاه بیان شده، هر کدام از مفسرین به بیان دو و یا سه مورد از آن پرداخته اند؛ اما به جز تفسیر «لاهیجی» که بر اساس روش تفسیری خود به بیان مفاد و مدلول های آیه پرداخته، در دیگر تفاسیر اماره و نشانی از روش تفسیری مفسر دیده نمی شود (لاهیجی، ۱۳۷۳ ش، ج ۴: ۸۲۹-۸۳۶؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱۳: ۲۶۷-۲۷۰؛ گنابادی، ۱۴۰۸ ق، ج ۴: ۲۶۷-۲۶۸؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۳۸۴-۳۸۶).

ب. گام دوم

تفاسیر گام دوم، مطلب جدید قابل ذکری ندارد.

تنها در هر دو تفسیر (میبدی و بروسوی) از منظر عرفانی به این نکته توجه می دهد که در «لیلة» حکمتی نهفته است؛ یعنی روز قدر مطرح نیست، شب قدر مطرح است و بعد اشاره به قداست شب می کند که در آن به خاطر دور شدن از دنیا و معاش و... کرامات و نزول نفحات و سیر به سوی آسمانها تحقق می پذیرد (بروسوی، بی تا، ج ۱۰: ۴۸۰-۴۸۶؛ میبدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۰: ۵۵۷-۵۶۶).

ج. گام سوم (بررسی تصادفی)

- در دو تفسیر «المیزان» و «نمونه»، بحثی پیرامون عدم تضاد «تقدیر امور» و «اختیار انسان» مطرح گردیده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰: ۳۳۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۶ ش، ج ۲۷: ۱۸۷).

- طبرسی در تفسیر «مجمع البیان» ذیل آیه «و ما ادراک...» بیان می نماید که این استفهام به منظور تحریص و ترغیب به عبادت است (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰: ۷۸۹).

- در برخی تفاسیر بیان شده است که، عده ای بر این باورند که شب قدر در عهد رسول الله بوده و پس از آن برداشته شده است؛ اما صاحبان همین تفاسیر این قول را به عنوان قول شاذ و مقابل قول جمهور علما، مطرح نموده اند (فخر رازی، ۱۴۲۲، ج ۳۲: ۲۳۰ و مکارم شیرازی، ۱۳۶۶ ش، ج ۲۷: ۱۹۰).

- در تفسیر «مفاتیح الغیب»، دلیل دیگری برای مجهول بودن شب قدر مطرح می‌شود که عبارت از قبح بیش‌تر گناه با وجود علم به قطعی بودن شب قدر است (فخر رازی، ۱۴۲۲ق، ج ۳۲ : ۲۲۹).

- تنها در تفسیر «مفاتیح الغیب» «سلام» به معنی «بهشت» گرفته شده است (فخر رازی، ۱۴۲۲ق، ج ۳۲ : ۲۳۶).

تحلیل

۱. در بررسی سوره مبارکه قدر در این چهار کتاب تفسیری، ۸۵٪ مطالب مشترک بوده و در این میان گاه با مقدمات و شیوه‌های متفاوت، نتیجه واحدی بیان گردیده است.
۲. طبیعی است که بخشی از ۱۵٪ اختلاف میان مطالب، ناشی از اختلاف در توانایی‌های مفسر از قبیل اختلاف در استعداد، علم، خلیات و... است؛ لذا تنها بخش ناچیزی از این اختلافات به اختلاف در روش‌های تفسیری مفسرین باز می‌گردد.
۳. در سه تفسیر «بیان السعادة فی مقامات العبادة»، «التبیان فی تفسیر القرآن» و «الجواهر فی تفسیر القرآن» نکته‌ای که قابل توجه است، تغییر رویکرد مفسر در بیان آیات است؛ یعنی مفسرین این کتب، علی‌رغم حفظ چارچوب کلی در روش تفسیری‌شان در بسیاری از موارد به تفسیر آیه با روش دیگری پرداخته‌اند.
۴. در میان این تفاسیر، تفسیر شریف «لاهیجی» نسبت به روش خود بسیار پای‌بند بوده و در همه موارد از طریق «روایات» به کشف مراد پرداخته است.

نتایج و تحلیل سوره کوثر

گزارش نتایج

در بررسی سوره کوثر، ابتدا دو موضوع مهم و قابل تأمل از حیث مطلب تفسیری و همچنین دو موضوع مربوط به نزول سوره که محل اختلاف اجمالی است، مشخص و بر محور هر موضوع، نظر تفاسیر مختلف مورد بررسی قرار گرفت. موضوعات شاخص در این سوره؛ محل نزول سوره، شأن نزول سوره، معنای کوثر، مراد از «وانحر» در نظر گرفته

شده است. با توجه به کوتاهی آیات این سوره و تعداد کم تر موضوعات محل بحث، گزارش سوره در قالب یک جدول ارائه می گردد.

الف. گام اول

انا اعطیناک الکوثر (۱) فصل لربک والنحر (۲) ان شانئک هو الابر (۳)						
ردیف	محورهای اصلی و بحث- برانگیز سوره	بحر العلوم	فی ظلال	الجواهر	بیان السعادة، کشف الأسرار و روح البیان	تبیین
۱	محل نزول سوره	ابتدا نزول در مدینه را اشاره کرده و بعد اشاره به دو نوبت نزول داشته است.	دو نوبت نزول را اشاره می کند.	نزول آن را در مکه ذکر می کند.	نزول آن در مکه ذکر می کند.	نزول آن را در مکه ذکر می کند.
۲	شان نزول	در شأن حضرت زهرا (س) می دانند و اشاره به عاص بن وائل و نسبت رجل ابتر دادن او به پیامبر در نسبت دادن ابتر به ایشان می داند.	شان نزول سوره را به جهت تسلی خاطر پیامبر در نسبت دادن ابتر به ایشان می داند.	اشاره به عاص بن وائل و نسبت رجل ابتر دادن او به پیامبر و در نتیجه نازل شدن سوره کوثر را ذکر می کند.	نقل داستان عاص بن وائل را در قسمت شأن نزول می آورد.	اشاره دارد که سوره کوثر به جهت بزرگداشت روح رسول خدا و آرامش به ایشان در رد قول و نسبت عاص بن عائل به حضرت، نازل شده است.
۳	معنای کوثر	معنای آن خیر کثیر است.	در معنای کوثر، اشاره به اصحاب	چندین معنا ذکر می کند؛ نهری در بهشت، نبوت،	نسلی شایسته و خیر کثیر، رسالت حضرت و کتابت	برای معنای کوثر، نهری در بهشت و

انا اعطیناک الکوثر (۱) فصل لربک والنحر (۲) ان شانئک هو الابر (۳)						
ردیف	محورهای اصلی و بحث- برانگیز سوره	بحر العلوم	فی ظلال	الجواهر	بیان السعادة، کشف الأسرار و روح البیان	تبیان
			و یاران بسیار و خیر و برکت برای پیامبر دارد.	کتاب، حکمت، شفاعت، حوض کوثر، مقام محمود، کثرت پیروان، پیروزی بر دشمن و کثرت فتوح. سپس بر نهری در بهشت و بسط آن با نقل بخاری و ترمذی در مورد جزئیات آن نهر، اشاره دارد.	قرآن را معنای کوثر می‌داند.	خیر کثیر را بیان می‌کند. (نظر تفسیر روح المعانی مشابه نظر صاحب تبیان است، علاوه بر آن یکی از معانی کوثر را کثرت فرزندان رسول خدا می‌داند.)
۴	مراد از «وانحر»	تکبیر و آوردن دست تا گلوگاه؛ مراد دست بلند کردن به طرف گردن در هنگام تکبیر برای نماز است. (نظر تفسیر البرهان و تفسیر الدر	مقابل قبله نحر کردن؛ یعنی حیوانات هدیه و قربانی را در حج و مناسک ذبح می‌کنند.	رد کردن قول قربانی کردن در روز عید به دلیل عدم اختصاص آیه به آن؛ یا محمدا! مقدم کن عزیزترین اموالت را برای مردم و قربانی کن آن را برای مردم در روز عید و غیر عید.	قربانی کردن شتر و نماز روز عید قربان مراد است.	ذبح و قربانی کردن حیوانات تا گلوگاه و رو به قبله ایستادن برای این کار مراد است. (تفسیر الدر المنثور هم رو به قبله ایستادن برای قربانی کردن را ذکر

انا اعطیناک الکوثر (۱) فصل لربک والنحر (۲) ان شانئک هو الابر (۳)						
ردیف	محورهای اصلی و بحث- برانگیز سوره	بحر العلوم	فی ظلال	الجواهر	بیان السعادة، کشف الأسرار و روح البیان	تبیان
		المنثور مطابق نظر صاحب بحر العلوم (است.)				می‌کند.)

روش تفسیری مفسران در آیات سوره کوثر

با نگاهی اجمالی به تفاسیر ارائه شده ذیل آیات سوره کوثر، با وجود اشتراکات و افتراقات موجود، غلبه با نکات مشترک است. اما در باب شیوه مفسران که هدف اصلی این مقاله است باید گفت تفسیر هر چهار مفسر در این آیات بر اساس روایات وارده در این سوره است. به طور کلی در هیچ یک تفاسیر مورد بررسی ذیل این سوره، نشانی از روش تفسیری مفسر بر اساس رویکرد عرفانی، عقلی یا علمی دیده نمی‌شود (بحر العلوم، بی تا، ج ۳: ۶۲۷-۶۲۸؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶: ۳۹۸؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱۳: ۲۷۵-۲۷۶؛ گنابادی، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۲۷۸؛ میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۰: ۶۳۶؛ بروسوی، بی تا، ج ۱۰: ۵۲۵؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۴۱۷-۴۱۸؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۵: ۷۷۶-۷۷۷؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۴۰۳؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵: ۴۷۸-۴۷۹).

ب. گام دوم

- با توجه به انتظار اولیه از تفسیر «بیان السعادة» با رویکرد عرفانی در طرح مباحث مربوط به کشف و شهود، ولی بحث تفسیری بر اساس روایات با داده‌های مشترک نسبت به تفاسیر دیگر ارائه شده بود. بر این اساس به جهت بررسی دقیق‌تر، با توسعه دامنه

تفاسیر عرفانی، دو تفسیر «روح البیان» بروسوی و «کشف الاسرار» میبیدی نیز مورد بررسی قرار گرفت که در آن تفاسیر هم، همچنان محوریت با روایات بود. - با توجه به اشتراک نظر و تطبیق مباحث در سه تفسیر با رویکرد عرفانی، نتایج داده آن‌ها در یک محور جدول، ارائه شد.

ج. گام سوم

- اهمیت معنای کوثر در این سوره، توسعه دامنه تفاسیر را با رویکردهای مختلف، ذیل معنای بررسی شده در مورد آن به دنبال داشت که نتایج آن عبارت‌اند از: مفسری علاوه بر نقل اقوال نه‌ری در بهشت و خیر کثیر و ...، قول شفاعت بودن معنای کوثر و قولی که کوثر را وجود حضرت زهرا و نسل فراوان می‌داند، را ذکر می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰: ۸۳۶).

دیگری با ذکر اقوال نقل شده، مواردی چون، حوض پیامبر، اولاد پیامبر در روز قیامت، اصحاب پیامبر تا روز قیامت، علمای امت او تا روز قیامت، قرآن و فضائل او، نبوت، تخفیف شرایع، اسلام، توحید، علم و حکمت، مقام محمود، فضائل پیامبر، نور قلب ایشان را بر اساس اقوال مختلف مفسران که از روایات برگرفته‌اند اضافه می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲۰: ۲۷۰).

مفسری، ۱۵ وجه برای معنای کوثر ذکر می‌کند؛ نه‌ری در بهشت (مشهور و مستفیض نزد سلف و خلف)، حوض کوثر، اولاد پیامبر، علمای امت پیامبر، نبوت، قرآن، اسلام، ... تا قول ۱۵ که کوثر را همه نعمت‌های اعطا شده به پیامبر می‌داند (فخر رازی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳۲: ۳۱۳-۳۱۷). اقوال متعدد او نزدیک به بیان طنطاوی است و هر دو از روایات و اقوال در تفسیر خود بهره می‌برند، هرچند رویکرد تفسیری‌شان در نام و ظاهر با هم تفاوت دارد.

- همچنین، تقریباً در همه تفاسیر با رویکردهای مختلف، مشابه مطالب فوق بیان شده است و برخی تفاسیر علاوه بر آن به وجوهی از اعجاز ضمن این سوره اشاره نموده‌اند؛ از جمله این موارد، عنایت به اعجاز بیانی سوره کوثر (فخر

رازی، ۱۴۲۲ق، ج ۳۲: ۳۲۲) و توجه به اعجاز غیبی در این سوره (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶ش، ج ۲۷: ۳۷۲ و ۳۷۶-۳۷۷) بوده است.

تحلیل

- همانطور که با عنایت به مباحث تفسیری ذیل سوره کوثر مشاهده می‌شود، با وجود مبنای متفاوت، اکثر مباحث تفسیری سوره کوثر به طور مشترک با استناد به روایات، تقریباً یکسان بیان شده است. شاید نکته *طنطاوی* در مورد مراد از «وانحر» متفاوت از مفسران دیگر باشد که در مورد این نکته نیز به نظر می‌رسد، نه تنها تأییدکننده روش علمی مفسر نیست بلکه در رد قول قربانی عید، توجه به ظاهر و در ارائه نظر خود، به نوعی نگاه معنوی دارد.

- در موضوعاتی که در قسمت قبل مورد بررسی قرار گرفت، اختلاف نظرها موجب تناقض نمی‌شود و اقوال مفسران در بحث «سبب نزول» و «معنای کوثر» و «مراد از وانحر» قابل جمع است.

- نکته قابل توجه آن است که در بررسی تفاسیر ذکرشده با رویکردهای مختلف، به نظر می‌رسد ذیل این سوره، همه تفاسیر رویکرد روایی دارند؛ چراکه مفسران با علایق و زمینه‌های متفاوت، مباحث خود را مبتنی بر روایات، تقریباً یکسان ارائه و تفسیر می‌کنند.

- در بررسی انجام‌شده ابتدا در رویکرد عرفانی، تفسیر «بیان السعادة» مورد بحث بود، با توجه به آنکه نکته عرفانی خاصی ذیل آن یافت نشد، برای سنجش دقیق‌تر، جست‌جو در تفسیر عرفانی دیگر؛ «کشف الاسرار» هم انجام شد، ولی نکته تفسیری بر اساس مبنای عرفانی و نکات کشف و شهودی بیان نشده بود.

- با توجه به عدم مشاهده اختلاف علمی خاص در بین تفاسیر بررسی‌شده، جهت اطمینان از نتایج، در مرحله بعد تفاسیر دیگری چون؛ «تفسیر کبیر» *فخر رازی*، «البرهان» *بحرانی*، «الدر المنثور» *سیوطی* و «مجمع البیان» *طبرسی* مورد بررسی قرار گرفت تا شاید نکته‌ای قابل ملاحظه برای قسم اختلاف متناقض مشاهده شود که البته در نتیجه، داده‌ای در این قسم به دست نیامد.

به عبارتی می‌توان گفت تقریباً ۸۰ درصد مطالب (اگر بیش‌تر نباشد) به طور مشترک با بیان‌های متفاوت بیان شده است، در ۲۰ درصد یا حتی کم‌تر از مطالب باقی‌مانده که شامل موارد اختلافی است بخشی از آن بیان‌های متفاوت، قابل جمع بوده و موارد اختلافی دیگر هرچند قابل جمع نیست ولی دارای تناقض هم نبوده است.

- جهت ارزیابی جامع‌تر، موضوعات محوری سوره، در بین منابع مشترک و غیر مشترک تفسیری رصد شد که در هر دو جنبه، نتایج مورد بررسی تقریباً یکسان است. البته در این نگارش، دامنه بررسی آیات محدود به دو سوره کوچک قرآن، قدر و کوثر بود و مسلم آن است که با توسعه دامنه، می‌توان قوت نظریه را رشد داد. به نظر می‌رسد بررسی حتی در این دامنه کوچک، دارای نتایج قابل تأملی است، ضمن آنکه بررسی پراکنده سوره مختلف و مطالعات تفسیری نگارندگان این تحقیق، دلالت بر تقویت این نتایج دارد.

نتایج سوره قدر و کوثر

با توجه به بررسی انجام‌شده در این دامنه از مجموع آیات قرآن، یعنی دو سوره کوچک و نکات بدست آمده از آن، مشخص شد که مبانی معرفتی متفاوت برای فهم و تفسیر قرآن؛ وحی، عقل، عرفان و علم، تنها می‌تواند حداکثر حدود ۲۰ درصد اختلافات در تفسیر را موجب شود که در این میزان، یا اختلافات قابل جمع است و یا دارای اختلافات غیر قابل جمعی است که به نظر می‌رسد تناقض احتمالی بین آن‌ها می‌بایست در حداقل ممکن باشد.

نتیجه بررسی، حاکی از آن است که متن واحد قرآنی در کنار روایات تقریباً مشترک و مبانی معرفتی مختلف، دارای درصد قابل قبولی از تفاوت بین تفاسیر است (۲۰ درصد یا کم‌تر)، در حالی که ذهنیت مخاطبان در مواجهه با تفاسیر متعدد و به خصوص ارائه تقسیمات مختلف روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، اختلافات بسیار شدیدتری را تداعی می‌کند. به عبارتی با این بررسی روشن شد، ذهنیت نسبت به تعدد روش‌ها و مکاتب تفسیری و انجام قسیم و مقسم‌های مختلف روشی و گرایشی در منابع مختلف، از باب تقسیمات انتزاعی و تئوریک می‌باشد و آنچه از حیث عملی و در قیاس بین متن تفاسیر به دست می‌آید، فقط بر مقدار اختلاف طبیعی‌ای که حاصل از علایق و تخصص و تمرکز

بیش تر هر یک از مفسرین بر یکی از منابع معرفتی است، دلالت دارد. مرحله اعتبارسنجی و انجام کنترل و پایایی جزئی و کلی، تأییدکننده نتایج بدست آمده است. با دقت نظر و تأمل در منابع موجود روش و گرایش تفسیری در دوره‌های مختلف، بر این گمانیم که دو عامل در ایجاد ذهنیت مخاطبان عام و حتی در برخی موارد مخاطب خاص قرآنی، نسبت به وجود اختلافات زیاد در تفاسیر موجود دامن زده است:

- تلاش نویسندگان متعدد برای رفع نواقص و اصلاح و تکمیل مباحث روش‌ها و گرایش‌ها در دوره‌های مختلف که منجر به تعدد روش و گرایش‌های تفسیری در تقسیمات علمی شده است؛

- شکل‌یافتن حوزه مستقلی از مباحث علمی ذیل مباحث علوم قرآن و تفسیر با عنوان مکاتب تفسیری یا روش‌ها و گرایش‌های تفسیری که ذهنیت دانش‌پژوهان رشته تفسیر را نیز با توجه به نوع پردازش و بهای علمی داده‌شده به این عنوان، به سمت اختلاف بسیار بین تفاسیر سوق می‌دهد.

توجه به این دو عامل در حالی اهمیت بیش‌تری می‌یابد که با وجود تلاش‌های انجام‌شده و تبدیل مباحث روش و گرایش تفسیری به حوزه خاص علمی، تا به حال، هنوز قسیم و مقسم مشترک و قابل قبولی در نزد اکثریت حاصل نشده است.

به نظر می‌رسد اگر این تلاش‌ها ابتدا بر پایه مبانی منطقی و منابع معرفتی قابل قبول نزد اکثریت ارائه می‌شد و تأمل جدی‌تری قبل از ارائه تقسیمات متعدد و غیر ضروری و سوق آن به سوی کثرت روش‌ها و گرایش‌ها- که حاصل آن، ایجاد شائبه اختلافات متعدد در تفاسیر است- صورت می‌گرفت، نتایج مطلوب‌تری به دست می‌آمد. لذا معتقدیم که لازم بود تلاشگران این عرصه:

- همزمان با رشد و توسعه این مباحث از حیث تئوری و انتزاعی، ظرفیت وجود، جایگاه و نقش روش و گرایش‌های ذکرشده را به طور عینی و عملی در تفاسیر مورد ارزیابی قرار می‌دادند.

- در نتیجه، متوازن با ذهنیت و عینیت، به توسعه این مباحث می‌پرداختند.

- و مرز بین اختلافات طبیعی و منطقی با اختلافات غیر طبیعی و غیر منطقی بین

تفاسیر و عوامل آن را منقح می‌ساختند.

نتیجه بحث

آنچه موجب اختلاف در علم تفسیر می‌شود به دو صورت قابل تصور است: یا ناشی از اختلاف در استعداد و دانش و حتی در برخی موارد خلیقات مفسران است و البته در اینگونه اختلافات، قابلیت نظم‌دادن و ایجاد نسق منطقی بین گونه‌های مختلف آن وجود ندارد، ضمن آنکه موجب ایجاد منهج و روش جدیدی هم نمی‌شود. یا اختلاف در علم تفسیر، ناشی از مبانی معرفتی متفاوت، زبان و نژاد متفاوت، جنسیت متفاوت (مرد یا زن بودن مفسر)، مذهب متفاوت (شیعه و اهل سنت) بوده که این اختلافات، قابلیت ایجاد منهج و روش جدید تفسیری را داراست (مهریزی، جزوه تفسیر). به نظر می‌رسد مؤلفان کتب مکاتب تفسیری و روش‌ها و گرایش‌های تفسیری این دو نوع اختلاف را در ارائه تقسیم‌بندی‌های خود خلط نموده‌اند و در نتیجه روش‌های متفاوت گزارش شده آنان، مربوط به بحث علمی منهج تفسیری نبوده و شامل گرایش‌های تفسیر است.

بنابراین می‌توان بر اساس نظر فوق، ضمن توجه به مبانی مؤثر در ایجاد اختلافات روشی در تفسیر و پذیرش نتایج طبیعی این اختلاف، دامنه اختلافات و روش‌های تفسیری متعدد ایجاد شده به طور نادرست - که ذهنیت اختلافات متعدد نسبت به متن واحد قرآنی را دامن می‌زند - را کاست.

کتابنامه

قرآن کریم.

- ایازی، سیدمحمدعلی. ۱۴۱۴ق، **المفسرون حیاتهم ومنهجهم**، تهران: انتشارات وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایمان، محمدتقی. ۱۳۸۸ش، **مبانی پارادایمی روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آلوسی، سید محمود. ۱۴۱۵ق، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بایبی، علی اکبر. ۱۳۸۵ش، **مکاتب تفسیری**، تهران: انتشارات سمت.
- بحرانی، سید هاشم. ۱۴۱۶ق، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران: بنیاد بعثت.
- حقی بروسوی، اسماعیل. بی تا، **روح البیان**، بیروت: دار الفکر.
- رجبی، محمود و دیگران. ۱۳۷۹ش، **مبانی و روش های تفسیر قرآن**، تهران: الهادی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی. ۱۳۸۳ش، **روش ها و گرایش های تفسیری**، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- رفیعی، سیدعلی محمد. ۱۳۷۳ش، «شناخت مکاتب و روش های تفسیری»، استاد راهنما: دکتر محمدباقر حجتی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی (مرکزی).
- سبحانی، جعفر. ۱۳۸۴ش، **المناهج التفسیریة**، قم: مؤسسه امام صادق.
- سمرقندی، محمد بن احمد. بی تا، **بحر العلوم**، بی جا، بی تا.
- سیوطی، جلال الدین. ۱۴۰۴ق، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شاذلی، سید بن قطب بن ابراهیم (سید قطب). ۱۴۱۲ق، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دار الشروق.
- شریف لاهیجی، محمد بن علی. ۱۳۷۳ش، **تفسیر شریف لاهیجی**، تهران: دفتر نشر داد.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
- طنطاوی جوهری. بی تا، **الجواهر فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار الفکر.
- طوسی، محمدبن حسن. بی تا، **التبیین فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علوی مهر، حسین. ۱۳۸۱ش، **روش ها و گرایش های تفسیری**، قم: اسوه.
- عمید زنجانی، عباسعلی. ۱۳۷۳ش، **مبانی و روش های تفسیر قرآن**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فخر رازی. ۱۴۲۲ق، **تفسیر کبیر**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- گنابادی، سلطان محمد. ۱۴۰۸ق، **بیان السعادة فی مقامات العبادة**، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- محمدپور، احمد. ۱۳۹۰ش، **روش تحقیق کیفی: ضد روش**، ج ۱ و ۲، چاپ اول، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- محمدی، بیوک. ۱۳۹۳ش، **درآمدی بر روش تحقیق کیفی**، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- محمود نقراشی، سیدعلی. ۱۴۰۶ق، **مناهج المفسرین من العصر الاول الی عصر الحدیث**، عربستان سعودی: مكتبة النهضة.
- معرفت، محمدهادی. ۱۳۸۷ش، **التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب**، مشهد: دانشگاه علوم رضوی.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مهریزی، مهدی. ۱۳۹۲ش، **جزوه تفسیر**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- مؤدب، رضا. ۱۳۸۶ش، **مبانی تفسیر قرآن**، قم: دانشگاه قم.
- میبدی، احمد بن ابی سعد. ۱۳۷۱ش، **کشف الأسرار وعدة الأبرار**، تهران: امیرکبیر.

مقالات و پایان نامه‌ها

- شاکر، محمد کاظم. ۱۳۸۱ش، «**ترمینولوژی مبانی و روش‌های تفسیر قرآن**»، مجله مقالات و بررسی‌ها (دانشگاه تهران)، دوره ۷۲.
- طیب حسینی، محمود. «**روش‌های تفسیری**»، دانشنامه موضوعی قرآن کریم، ج ۸، مرکز فرهنگ و معارف قم
- <http://www.maarefquran.org/index.php/page,viewArticle/LinkID,13163>
- قربانزاده، محمد و محمدحسن رستمی. بهار و تابستان ۱۳۹۱ش، «**گستره گرایش‌های تفسیری**»، مجله آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم رضوی، ش ۱۵.
- میرعبداللہی، سیدباقر. ۱۳۸۵ش، «**مفاهیم: روش تفسیری چیست؟**»، روزنامه همشهری، ۸۵/۹/۱۸.
- <http://www.hamshahrionline.ir/details/10479>
- اقسام روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، سایت تبیان زنجان.
- <http://tebyan-zn.ir/detailed-papers/soghrashokoohi/11272/1>
- آشنایی با روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، سایت مؤسسه آموزشی و پژوهشی مذاهب اسلامی.
- <http://mazaheb.com/E2%80%8F/2134>
- روش‌های تفسیری، سایت اندیشه.
- <http://www.andisheqom.com/public/application/index/printData?c=162&t=qa>

Bibliography

Holy Quran

Ayazi, Seyed Mohammad Ali 1414 AH, Interpreters of their lives and methods, Tehran: Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Iman, Mohammad Taqi 2009, Paradigmatic Foundations of Quantitative and Qualitative Research Methods in Humanities, Qom: Research Institute and University.

Alusi, Seyed Mahmoud 1415 AH, The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya.

Babaei, Ali Akbar. 2006, Interpretive Schools, Tehran: Samat Publications.

Bahrani, Seyed Hashem. 1416 AH, Al-Burhan Fi Tafsir Al-Quran, Tehran: Ba'ath Foundation.

Haghi Brusoi, Ismail. Ruh al-Bayyan, Beirut: Dar al-Fikr.

Rajabi, Mahmood and others. 2000, Principles and Methods of Quran Interpretation, Tehran: Alhadi.

Rezaei Isfahani, Mohammad Ali 2004, Interpretive Methods and Trends, Qom: World Center of Islamic Sciences.

Rafiei, Seyed Ali Mohammad 1994, "Knowledge of schools and interpretive methods", Supervisor: Dr. Mohammad Baqer Hojjati, Tehran: Islamic Azad University (Central).

Sobhani, Jafar 2005, Interpretive Methods, Qom: Imam Sadegh Institute.

Samarkandi, Muhammad bin Ahmad, Bahr al-Ulum

Siouti, Jalaluddin 1404 AH, Al-Durr Al-Manthur Fi Tafsir Al-Mathur, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library.

Shazli, Sayyid ibn Qutb ibn Ibrahim (Sayyid Qutb). 1412 AH, in the shadow of the Qur'an, Beirut: Dar al-Shorouq.

Sharif Lahiji, Muhammad bin Ali. 1994, Sharif Lahiji Commentary, Tehran: Published Office.

Tabatabai, Mohammad Hussein 1417 AH, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, Qom: Publication Office of the Seminary Teachers Association.

Tabarsi, Fadl Ibn Hassan 1993, Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Naser Khosrow.

Substantial tantalum. Al-Jawahir Fi Tafsir Al-Quran, Beirut: Dar Al-Fikr.

Tusi, Muhammad ibn Hassan; Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.

Alawi Mehr, Hussein 2002, Interpretive methods and tendencies, Qom: Aswa.

Amid Zanjani, Abbas Ali 1994, Principles and Methods of Quran Interpretation, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Fakhr Razi. 1422 AH, Tafsir Kabir, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.

Gonabadi, Sultan Mohammad 1408 AH, the expression of happiness in the authorities of worship, Beirut: Scientific Foundation for Press.

Mohammadpour, Ahmad 2011, Qualitative Research Method: Anti-Method, Volumes 1 and 2, First Edition, Tehran: Sociologists Publications.

Mohammadi, Buick. 2014, Introduction to Qualitative Research Methodology, Third Edition, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.

Mahmoud Naqrashi, Seyed Ali 1406 AH, Manifestations of the Interpreters from the Early Age to the Age of Hadith, Saudi Arabia: Library of Ennahda.

Knowledge, Mohammad Hadi 2008, Interpretation and commentators in the reward of Qashib, Mashhad: Razavi University of Sciences.

Makarem Shirazi, Nasser. 1995, Sample Interpretation, Tehran: Islamic Bookstore.

Mehrizi, Mehdi 2013, Tafsir Booklet, Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran.

Modab, Reza 2007, Basics of Quran Interpretation, Qom: Qom University.

Meybodi, Ahmad Ibn Abi Saad. 1371 AH, Discovering the Mysteries and the Pledge of Al-Abrar, Tehran: Amirkabir.

Articles and dissertations

Shakir, Mohammad Kazem 2002, "Terminology of Principles and Methods of Quran Interpretation", Journal of Articles and Studies (University of Tehran), Volume 72.

Tayeb Hosseini, Mahmoud "Interpretive Methods", Thematic Encyclopedia of the Holy Quran, Volume 8, Qom Center for Culture and Education

<http://www.maarefquran.org/index.php/page,viewArticle/LinkID,13163>

Ghorbanzadeh, Mohammad and Mohammad Hassan Rostami. Spring and Summer 2012, "The range of interpretive tendencies", Journal of Quranic Teachings, Razavi University of Sciences, Vol.

Mir Abdullah, Seyed Baqir. 2006, "Concepts: What is the interpretive method?", Hamshahri newspaper, 9/18/85.

<http://www.hamshahrionline.ir/details/10479>

Types of interpretive methods and tendencies, Tebyan Zanjan website.

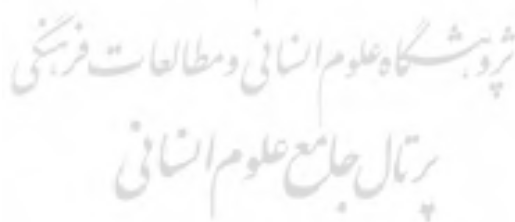
<http://tebyan-zn.ir/detailed-papers/soghrashokoohi/11272/1>

Familiarity with interpretive methods and tendencies, the site of the Educational and Research Institute of Islamic Religions.

<http://mazaheb.com/E2%80%8F/2134>

Interpretive methods, Andisheh site.

<https://www.andisheqom.com/public/application/index/printData?c=162&t=qa>



Analysis and Evaluation of Interpretive Methods and Schools: Qadr and Kowsar Surahs case study

Najmeh Najm: PhD Candidate, Quran & Hadith Science, Islamic Azad University, Science & Research Branch, Tehran

Fatemeh Masjedi: PhD, Quran & Hadith Science, Islamic Azad University, Science & Research Branch, Tehran

Mahdi Mehrizi: Associate Professor, Quran & Hadith Science, Islamic Azad University, Science & Research Branch, Tehran

Abstract

Numerous interpretations of the Holy Qur'an have been written since long time ago, which have been divided into different methods. discovering the existing plurality and differences of opinion, the audience's mind leads to the reason of this plurality in relation to a single text. The main question is that despite the acceptance of different interests and expertise of the commentators, which leads to their interpretive differences, how can this range of disagreements and divisions and multiple method be analyzed? This article compares two chapters of Qadr and Kowsar in a significant number of commentary books based on interpretive methods; An intellectual, mystical, and scientific work has been written on this subject. The result of this study indicates that a maximum of about twenty percent of the differences in the interpretation of these verses is significant, which will be reduced by taking into account the sum of differences. Moreover, the interpretive issues in these verses have not necessarily been resolved using the interpretive method of the interpreter. The method of this article is qualitative and its documentary analysis technique is based on quantitative data and abstract topics have been avoided.

Keywords: interpretive method, interpretive differences, Al-Qadr Surah, Kowsar Surah.